کارگردان مستند «پل» از چگونگی ساختن مستندی درباره جبهه مقاومت اسلامی می‌گوید

مستندهای من وامدار روایت فتح است

■ احمد محمدتبریزی

مستند «پل» که چندی پیش از صداوسیما پخش شد روایتگر نبرد رزمندگان جبهه مقاومت با تروریست‌های داعشی بر سر تصاحب یک پل است. این مستند هیجان‌انگیز یک تصویر شفاف و واضح از چگونگی جنگ در عراق را به مخاطب ارائه می‌دهد و برای آشنایی بینندگان با چگونگی اتفاقات در جبهه مقاومت اسلامی بسیار مفید است. در بخش‌هایی از مستند می‌بینیم که یکی از نیروها به نام علی جلوی دوربین گلوله می‌خورد و تا لحظاتی قبل از شهادتش شاهد احوالش هستیم. کارگردان این مستند بنا به دلایلی با نام مستعار «حسین راوی» کار می‌کند و از ما می‌خواهد که به هیچ‌عنوان نامی از وی نبریم. «جوان» هم به رسم امانت نام این مستندساز را محفوظ نگه داشته و از نام مستعار در گفت‌وگو استفاده می‌کند. در ادامه گفت‌وگوی ما با کارگردان مستند «پل» را می‌خوانید.

دلیل انتخاب چنین سوژه حساس و خطرناکی برای مستندتان چه بود؟

این انتخاب خیلی دست ما نبود و توفیقی بود که در زندگی‌ام اتفاق افتاد. من پیشینه کاری‌ام از روایت فتح است و از آنجا با مستندسازی آشنا شدم. در روایت فتح برای ساخت مستندی درباره جنگ ۳۳ روزه به لبنان سفر کرده بودم و آنجا با آقای مرتضی شعبانی که زمانی فیلمبردار گروه روایت فتح بود و بعد مدیرعامل آنجا شد و به مرکز مستند حقیقت رفت، آشنا شدم. آشنایی‌ای که از قبل و همکاری‌هایی که در گذشته داشتیم و همسفری که در جنگ ۳۳ روزه پیش آمد دلیل ساخت این مستند شد. البته خیلی از مستندسازانی که با ایشان از زمان روایت فتح در ارتباط بودند برای رفتن به سوریه و عراق و گرفتن مستند اصرار داشتند و به نوعی همه مستندسازان برای انجام این کار آمادگی داشتند. قبل از من چند تا از بچه‌ها برای ساخت مستند از عملیات‌های جبهه مقاومت به سوریه و عراق رفته بودند. یک روز هم نوبت ما شد و به من گفتند امروز مهیاست و می‌توانید برای یکی از عملیات‌ها بروید. من با علی انصاری که مترجمم بود و با مرکز مستند در ارتباط بود قبل از سفرم آشنا شدم و جریان مستند را برایش توضیح دادم و گفتم به یک راوی نیاز دارم که با او همراه شوم و زندگی کنم که علی، سیدمرتضی موسوی را که خبرنگار جنگ و رزمنده بود معرفی کرد. من به واسطه علی با سیدموسوی که در فیلم، سیدباقر نام دارد، آشنا شدم. برای ساخت مستند، چندین بار به عراق رفتم منتها هر بار عملیات به دلایلی لغو می‌شد و انجام نمی‌گرفت. دو، سه بار به عراق رفتم و آمدم تا اینکه دیگر مشخص شد انجام عملیات قطعی است. من آمدم و با سیدباقر صحبت کردم تا چند روزی در کنارش باشم. در نهایت چند روز در خانه و کنار خانواده سید باقر بودم و بعد از آن به عراق رفتیم و فیلمی شد که الان می‌بینید.

شما تنها فیلمبردار مستند هستید یا فیلمبردار دیگری هم دارد؟

فیلمبردار فقط منم و یک دوربین روی کلاه سیدباقر است که ما از تصاویر آن دوربین هم استفاده می‌کنیم. راوی فیلم که با آن فیلم را شروع می‌کنم و به پایان می‌برم یک خبرنگار است که دوربین روی کلاهش قرار دارد. من گاهی از زاویه دوربین او هم استفاده کرده‌ام. علی انصاری هم فیلمبردار شبکه الغدیر بود و یک دوربین زاپاس داشت و از یک جایی که برای علی آن اتفاق افتاد دوربین من خراب شد و من دوربین علی را برای ادامه کار برداشتم.

ابتدا قرار بود مستند در این فرم ساخته شود؟ از همان آغاز به وجود نریشن‌های خودمانی و نزدیکی به صحنه فکر کرده بودید؟

بعد از اینکه پای تدوین نشستم نریشن اول شخص را انتخاب کردم. در مورد نزدیکی به صحنه‌ها از همان شروع کار قصدم واقعا این بود که در مسیر فیلم با یکی از شخصیت‌ها همراه شوم و بتوانم در کنارش از اتفاقات عملیات فیلم بگیرم. ولی اتفاقاتی که در فیلم می‌افتد مثل شهادت علی کاملاً از اختیار ما خارج بود و به صورت مستند محض اتفاق افتاد و ما در موقعیت قرار گرفتیم. برای انتخاب روایت اول شخص هم دلیل داشتم. علتش این بود که من چندین زاویه دید مختلف را در روایت نریشن نوشتم ولی هیچ‌کدام آن حس صمیمی و خودمانی را نداشت. من خودم نریتور نیستم و زمانی که متن را به چندین نفر دادم تا بخوانند گفتند آن صمیمیت در نیامده است. در نهایت به این نتیجه رسیدم که نریشن را اول شخص بنویسم و خودم آن را بخوانم تا واقعیت کار بیشتر جلوه کند. البته خیلی از صحنه‌هایی که در فیلم می‌بینید از من نیست و وامدار آموخته‌های ما از روایت فتح است. نوع فیلمبرداری و نوع مواجهه با آدم‌ها و قرار گرفتن در موقعیت جنگی، درس‌هایی است که از مجموعه روایت فتح ما داریم پس می‌دهیم.

پس کاملاً تحت تأثیر مستندهای روایت فتح قرار داشتید.

بله، کاملاً. من خیلی جاها در بسیاری از صحنه‌ها وقتی نما می‌گرفتم نریشن‌های آقامرتضی آوینی در صحنه نبرد در گوشم بود. اینکه شما مستندهای زیادی ببینید و بفهمید دوربینتان را کجا باید قرار دهید موقع کار خیلی کمکتان می‌کند. مستند «پل» از این جهت خیلی باارزش است که بی‌واسطه و مستقیم شمایی از اتفاقاتی که در حال رخ دادن است را پیش چشم مخاطبی که کیلومترها از مرکز حوادث دور است، می‌گذارد. می‌دانید در جنگ شهری با یک جنگ قاعده‌مند طرف نیستید. من تجربه کار در جنگ ۳۳ روزه را دارم. باید گفت در جنگ ۳۳ روزه مواجهه با دشمن به شدت این جنگ نبود. من تا دوم دبستان در یک منطقه جنگی بودم و بزرگ شدم و با توپ و خمپاره غریبه نیستم. کم جنازه ندیدم. از لحاظ روحی آمادگی حضور در یک منطقه جنگی را داشتم ولی با همه اینها در جنگ شهری ترس و حفظ جان به سراغت می‌آید و جاهایی باید خودت را جمع کنی تا ببینی کجا هستی. با تمام اینها در هر لحظه سخت و دشوار ترس کماکان جزئی از وجود انسان است.

امکان می‌دادید که ممکن است یکی از گلوله‌ها به شما بخورد؟

بله، اگر من و علی جایمان عوض نمی‌شد من به جای او گلوله می‌خوردم.

از این بابت مشکلی ندارید که بخواهد مانع کارتان شود؟

این مسائل را خود خدا توفیقش را می‌دهد. اینطوری نیست که فکر کنید من روحیه عجیب و غریبی دارم. همچنین سلحشوری رزمندگانی که کنارت هستند به آدم فضا و نیرو می‌دهد. وقتی می‌بینید افراد کنارتان با شجاعت می‌جنگند و جلو می‌روند شما هم از آنها تأثیر می‌گیرید. اگر سه نفر کنارتان شروع به ترسیدن و فرار کنند این روی شما هم تأثیر می‌گذارد.

برخورد رزمندگان در قبال حضور یک مستندساز در کنارشان چه بود؟

برای آنها خیلی باارزش و روحیه‌بخش بود که یک ایرانی همراهشان تا آنجا آمده است. به لحاظ قوت قلب و احساسی که داشتند خیلی خوب بود. خیلی دوست داشتند که یک برادر ایرانی تا آنجا آمده که از کارشان فیلم بگیرد.

شهید انصاری هم جزو گروه بود؟

علی انصاری نیروی شبکه الغدیر بود. فیلمبردار و نیروی تأمینی شبکه و فیلمبردار رسانه‌ای بود. کسی که به عنوان فیلمبردار به عنوان نیروهای خط‌شکن جلو می‌رود هر خطری را به جان می‌خرد. تفاوتی بین او و خط‌شکن وجود ندارد. دشمن هم نگاه نمی‌کند ببیند چه کسی دوربین دارد و چه کسی اسلحه و می‌زند. دوستی ما هم دو هفته قبل از سفر شکل گرفت.

چطور بچه‌ای بود؟ چون در فیلم از شهادتش استقبال می‌کند و بدون هیچ ترس و واهمه‌ای از این اتفاق خوشحال است.

کاملاً شوخ طبع، با روحیه، شجاع، مفید و اهل راه انداختن کار دوستان و رفقایش بود. حواسش به همه آدم‌ها بود که چه کار می‌کنند و چگونه رد می‌شوند. خیلی دوستدار خانواده بود. در همان لحظات آخر هم خیلی شوخ و آرام بود.

شما چند روز آنجا بودید؟

من سه هفته عراق بودم و برای نهایی شدن کار رفت و برگشت‌هایی داشتم. این فیلم در سه، چهار روز اتفاق می‌افتد.

فرم مستند به این صورت است که شما خودتان را کاملاً کنار کشیده‌اید و اجازه می‌دهید اتفاقات همان لحظه به تصویر کشیده شوند؟

به هیچ وجه هیچ دخل و تصرفی در صحنه‌ها وجود ندارد. تنها چیزی که در میزانسن وجود دارد این است که من کجا قرار بگیرم و تنها عنصر میزانسنیک این است که دوربین کجا و چگونه قرار بگیرد.

در بعضی صحنه‌ها می‌بینیم نیروهایی که آنجا هستند آشفته و بدون برنامه‌اند، دقیقاً چه چیزی دارد آنجا اتفاق می‌افتد؟

چیزی که در فیلم می‌بینید کاملاً واقعیت دارد و گاهی این آشفتگی وجود دارد. این آشفتگی هم چند دلیل دارد. یکی اینکه جنگ شهری متخصص نیاز دارد و این بچه‌ها ۲۰ روز یا نهایتا یک ماه آموزش دیده‌اند. خیلی حالت اول جنگ خودمان را دارد. بچه‌های سپاه در خرمشهر چگونه می‌جنگیدند و آموزش‌شان چه بود؟ خیلی شبیه این موضوع است. دوم اینکه جنگ شهری از سخت‌ترین جنگ‌هاست و به متخصص و کماندو نیاز دارد. سوم اینکه نیرویی که آن سمت در حال جنگ است آموزش‌دیده و متخصص است و با هر تیر یک نفر را می‌زند. این نیاز به یک نیرویی مثل خودش دارد. نکته مهم دیگر اینکه چون جنگ در منطقه شهری صورت می‌گیرد و از قبل شناسایی وجود ندارد و یک عده آدم در آنجا زندگی می‌کنند شب طبل جنگ به صدا در می‌آید و صبح منطقه تخلیه می‌شود و هیچ شناسایی وجود ندارد و منطقه به شدت آلوده است. ممکن است آنجا متر به متر تله انفجاری و تله ریموتی ببینید. در نتیجه ناگهان به خاطر تله‌ها زمین‌گیر می‌شوید و نمی‌توانید تغییر موضع دهید. ناگهان دوروبرتان را می‌بینید که تله کار گذاشته‌اند. یا تله‌ای است که می‌بینید و می‌توانید آن را خنثی کنید یا اصلا متوجه‌اش نمی‌شوید. خودمان در مسیری که می‌رفتیم کلی تله ریموتی پشت سرمان منفجر شد. بنابراین جنگی که این پیچیدگی را دارد با نیروی مردمی که یک ماه دوره دیده دچار این آشفتگی می‌شود. در جنگ شهری وقتی حمله می‌کنید کسی که در موضع دفاع است چون نسبت به پشت خودش احاطه دارد و شناسایی‌اش را دارد کارش راحت‌تر است. مثل اتفاقی که در خرمشهر افتاد. دو لشکر زرهی آمد خرمشهر را بگیرد ولی ۶۰ نفر آدم توانستند شهر را نگه دارند. چون نیرویی که دفاع می‌کند، پارتیزانی دفاع می‌کند و پشت خودش را شناسایی دارد. یعنی اینکه کسی که در موضع دفاع ایستاده دستش در موضع گرفتن نسبت به کسی که حمله می‌کند بالاست. آن هم در جنگ شهری که خانه به خانه و کوچه به کوچه اتفاق می‌افتد.

حتی گاهی نیروها روحیه‌شان را هم از دست می‌دهند؟

عراقی‌ها مثل ایرانی‌ها احساساتی هستند و در عزا و عروسی خیلی زود احساساتی می‌شوند. چنین فراز و فرودهایی در منطقه است. باید کسی پیدا شود بتواند اینها را جمع و جور کند و به آنها روحیه بدهد. ارتش و نظامی که نیستند و مثل اول جنگ خودمان نیروهای مردمی هستند که در منطقه می‌جنگند.

در آینده باز هم سراغ چنین سوژه‌هایی خواهید رفت؟

من یکی دو بار تا مرز رفتن پیش رفتم ولی به دلیل بعضی معذوریت‌های امنیتی امکان کار فراهم نشد. با این حال آماده‌ام و اگر موقعیتی پیش بیاید می‌روم.

شهید علی هاشمی

نگاه

صداوسیما کجای پروسه مستندسازی جبهه مقاومت اسلامی قرار دارد؟

مدیران سیما مستند را نمی‌شناسند

■ مهدی شاه‌محمدی*

من درک می‌کنم که کارگردان «پل» چقدر برای این کار زحمت کشیده و تلاش کرده تا اثرش کاری درخشان شود اما بخت و اقبالی که در این کار داشته خیلی در روند قصه‌اش تأثیرگذار بوده است. در اتفاقی از پیش تعیین نشده علی انصاری جلوی دوربین یک مستندساز شهید می‌شود و آن مستندساز شانس آن را داشته که در تمام آن لحظات حضور داشته باشد. نحوه شهادت علی هم طوری نیست که یک گلوله بخورد و شهید شود بلکه خیلی دراماتیک این اتفاق می‌افتد. این شانسی بوده که در این مستند برای مستندساز اتفاق می‌افتد و او هم از آن استفاده کرده است.

اگر این فضا را کنار بگذاریم، ما ورود به خاک عراق و آماده‌سازی برای انجام عملیات و بعد از آن هم درگیری بین نیروهای داعش و نیروهای شیعه عراقی را می‌بینیم. غیر از این چیز دیگری را در این فیلم شاهد نیستیم اما این اتفاق دراماتیک فیلم را دگرگون کرد. در جشنواره حقیقت هم خیلی به فیلم توجه شد و دو جایزه اصلی جشنواره را گرفت.

در زمینه جبهه مقاومت اسلامی و مدافعان حرم، کارهای زیادی انجام می‌شود. خودم سعادت ساخت چنین کاری را نداشتم اما رفقای زیادی هم سوریه و هم عراق رفته‌اند و مجموعه‌های خوبی هم ساخته‌اند. احسان اصغرزاده، شهید هادی باغبانی و مجموعه عشق بدون مرز آثار درخشانی در این حوزه هستند. در این حوزه کم کار نشده ولی متأسفانه این مستندها خیلی بد پخش می‌شوند. کار کم تولید نمی‌شود ولی کم پخش می‌شود. متأسفانه صداوسیما خیلی بد با این مجموعه‌های مستند برخورد می‌کند و جایگاه ویژه‌ای برایشان قائل نیست. در این دو سال بچه‌ها خیلی رفتند و آمدند و مستندهای خیلی خوبی ساختند، اما هیچ‌کدام‌شان دیده نمی‌شوند.

در مورد مستند «پل» هم اگر شبکه افق پای این کار نمی‌ایستاد در این وسعت دیده نمی‌شد. شبکه افق به چند شبکه دیگر کار را داد و یک باکس خوب به کار داده شد تا چندین نوبت پخش شود. درباره محمدحسین مهدویان و آثاری مثل «آخرین روزهای زمستان» و «ایستاده در غبار» هم همین اتفاق افتاد. مدیرانی پشت کارگردان ایستادند و به او فضا دادند و با اطلاع‌رسانی و پخش درست باعث شدند کار دیده شود.

اگر مستندهای فوق‌العاده‌تر از «پل» ساخته شود و مدیری نباشد که پیگیر پخش درستش باشد هیچ فایده‌ای ندارد. اگر این مستندها ساخته و پخش نشوند هیچ‌کس نمی‌فهمد الان در سوریه و عراق چه اتفاقاتی می‌افتد. الان که نیروهای ما در سوریه و عراق شهید می‌شوند خیلی از مردم ما به درستی از وقایع خبر ندارند و متأسفانه به دلیل همین ناآگاهی، گاهی حرف‌های معاندان را باور می‌کنند.

مدیران تلویزیون هیچ تعریف درستی از مستند ندارند و اسم گزارش‌های تلویزیونی را هم مستند می‌گذارند. بعد همین مدیران نگاهشان به مستند اینگونه است که لابه‌لای برنامه‌های نمایشی باکس‌های ۲۰ دقیقه‌ای فیلم مستند پخش شود. این هم برای این است که آخر سال در آمارشان بگویند فلان ساعت فیلم مستند پخش کرده‌اند. هیچ اهمیتی برایشان ندارد کیفیت کار چیست و بخواهند برایش اطلاع‌رسانی کنند و فقط آن عدد برایشان مهم است. چیزی که برای مدیران تلویزیون اهمیت دارد آیتم‌های نمایشی مثل سریال است.

زمانی به خاطر چند گروهی که در صداوسیما بود و تعهد پخش تلویزیون چند کار خوب پخش می‌شد. الان آن کارها به چند برنامه زنده تلویزیونی ضعیف خلاصه شده است. این باید از تلویزیون شروع شود.

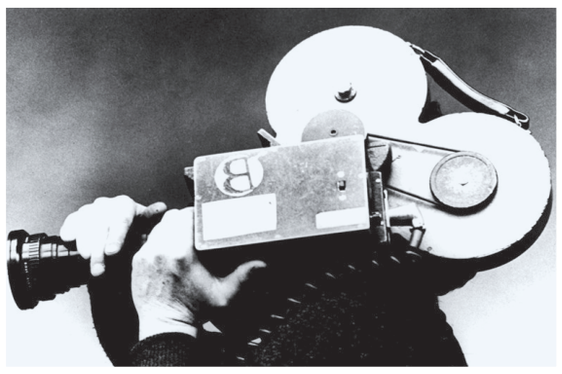

زمانی هر سریال ضعیفی که از تلویزیون پخش می‌شد رئیس رسانه پس از پخش تمام عوامل فیلم را جمع می‌کرد و سکه می‌داد. یک بار ببینید آقای ضرغامی از یک مستندساز حمایت کرده است. پخش مستند از صداوسیما کلاف سردرگمی است که نمی‌دانم چگونه باز می‌شود. این وسط فقط بچه‌های مستندساز متضرر می‌شوند و کارهایشان هم هیچ‌وقت دیده نمی‌شود. مستند می‌تواند اندازه فیلم سینمایی تاثیر بگذارد چون مخاطب می‌داند اتفاقاتی که افتاده واقعیت است و بعد از فیلم مخاطب را درگیر می‌کند.

در حال حاضر ارتش ششمین شهیدش را در راه دفاع از حرم داده و تلویزیون ما کجا قرار دارد؟ مردم ما چقدر از وضعیت مدافعان حرم و نیروهایمان در سوریه و عراق اطلاع کسب می‌کنند؟ مستندهای مشابه امریکا و انگلیس را اگر ببینید متوجه خواهید شد در فیلم‌هایشان چه قهرمان‌پروری‌هایی می‌کنند. این موضوع برای مدیران صداوسیما آنقدر ارزش ندارد باکس خوب درنظر بگیرند و اطلاع‌رسانی خوب کنند.

*** منتقد و مستندساز**

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۴۸۳۴

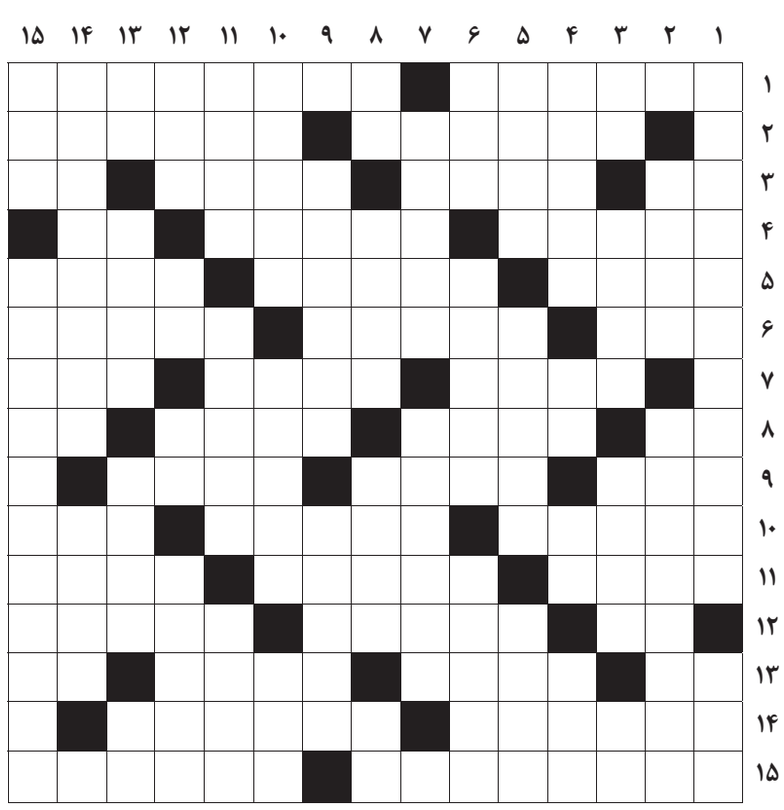

از راست به چپ

■ ۱- هزاردستان- کرایه‌شمار ■ ۲- پرداخت یا دریافت وام برای مدت معین در برابر سود معین- اتحاد برای نخریدن یک کالا ■ ۳- جمع اصم؛ کرها- برای اینکه- شجاع و دلیر- علامت بیماری ■ ۴- گیاه مولد رنگ قرمز- واژه فرانسوی به معنی پرونده- پیچیدن ■ ۵- شهری نزدیک اردبیل- ثابت کردن- به کار بستن قانون ■ ۶- الفت- عاشق کوه کن- بیگانگان ■ ۷- پرنده‌ای است شبیه کبک- زبان- حشره مزاحم ■ ۸- پزشکی- کلمه‌ای که دو بار در سوره حمد تکرار شده است- بازگشت از گناه- هنوز انگلیسی ■ ۹- سخن گفتن از روی خشم- متضاد مقعر- نوعی زاویه ■ ۱۰- امانت- از منسوبین نزدیک- سرور ■ ۱۱- بندری در نروژ- اثر نیما یوشیج- تخم گیاه کتان ■ ۱۲- تکرارش نام درختی است- حالا- ذخیره و یدکی ■ ۱۳- نیمه تاریک زمین- نام قدیم مشکین شهر- فرار- تهوع ■ ۱۴- از چین‌خوردگی‌های زمین- پایتخت کشتی ایران ■ ۱۵- شهر تاریخی ترکیه- نقاشی متحرک

از بالا به پایین

■ ۱- عنوانی برای دیپلمات اخراجی- ورزش خشکی و آب ■ ۲- باایمان- نام قدیمش گمبرون است ■ ۳- نفس- وجود ندارد- سایر و غیر- پوستین وارونه ■ ۴- در حال لرزیدن- حرف انتخاب- «از» عرب زبان- پروردگار ■ ۵- مأیوس- از اسامی بانوان- رسم و روش ■ ۶- از گربه‌سانان- جمع روح- کتاب شیخ مرتضی انصاری ■ ۷- از قدیم گفته‌اند خبر نمی‌کند- زن خانه‌دار ■ ۸- انتها- دست شکسته بر گردن می‌شود- سلاح قدیمی- پوشش چهارپا ■ ۹- معامله نسیه- از زینت آلات زنانه ■ ۱۰- از وسایل آتش‌زا- شاعر اهل مراغه صاحب مثنوی معروف جام جم- ریکا نشده ■ ۱۱- بی نقش و نگار- محل ذخیره کالا- خوشگل ■ ۱۲- سال آذری- برجستگی لاستیک- ضربه سر در فوتبال- محل خرید و فروش کالا ■ ۱۳- زوبین- افسار- ساز چنگ- لخت ■ ۱۴- به عنوان ملکه میوه‌ها در آسیا شناخته می‌شود- سرباز روس تزاری ■ ۱۵- رتبه‌ها- عدم حضور عمدیِ گروهی از نمایندگان مجلس در هنگام رأی‌گیری، به‌قصدِ از اکثریت انداختن مجلس و جلوگیری از تصویب یک لایحه یا طرح است

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

			۲					۹
	۶	۵						۳
			۴	۸				۶
		۳			۲	۵		
	۴	۶						
				۹		۷		
			۸	۴				
۵					۳		۲	
۷							۸	

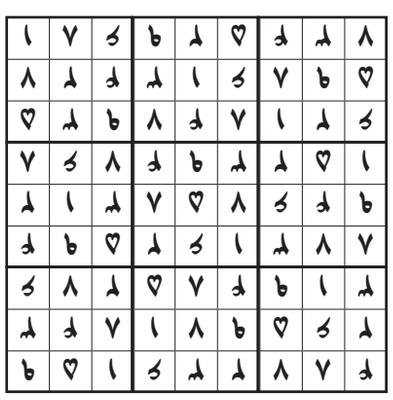

جدول کلمات متقاطع
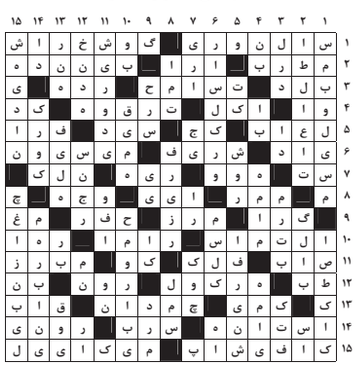
پاسخ جدول شماره ۴۸۳۳